



به تدریج معنای دنیای غرب در حال تغییر است و این سریال در این قسمت، بیشتر به دنیای شوگان پرداخت. به عبارت دیگر وست ورلد با تغییراتی جدید از نو آغاز شده است و انتظار می‌رود که دنیاهای دیگر بخشی از آینده سریال را تشکیل دهند و تنوعی به محیط داستان بدهند.

فصل دوم - قسمت پنجم	رقص خونین آکانه	انتشار: 30 اردیبهشت (May) (20)
خلاصه فصل اول و معرفی شخصیت‌ها	قسمت اول از فصل دوم	
قسمت دوم از فصل دوم	قسمت سوم از فصل دوم	
قسمت چهارم از فصل دوم	تمام مطالب مرتبط با سینما	

با اتفاقاتی که در اپیزودهای قبلی سریال افتاد انتظار داشتیم که شوگان ورلد نیز وارد داستان شود. اما باید اعتراف کنم که داستان آن از چیزی که فکر می‌کردم جالب‌تر از آب درآمد. به قول «لی سائز مور» دنیای عجیب شوگان برای افرادی طراحی شده است که دنیای غرب را کم هیجان و لطیف می‌پندارند. کارگردان و نویسندگان نیز کاملاً این گفته را به تصویر کشیدند. از وقتی که میو و افرادش وارد شهر شدند تا کشته شدن شوگان، خونریزی ادامه داشت و این در مقایسه با پارک همتای خود، زیاده‌روی محسوب می‌شد. در ادامه، اپیزود پنجم به نام «رقص خونین آکانه» را در وبسایت شبکه‌مگ بررسی می‌کنیم.



آینه سیاه

هیرویوکی سانادا (در نقش موساشی) تا به حال در فیلم‌های معروفی همانند زندگی و ولورین ایفای نقش داشته است اما بدون شک معروف‌ترین آنها «آخرین سامورایی» است که شباهت‌هایی با داستان ما دارد. البته نباید فراموش کرد که در آن فیلم علی‌رغم خشونت در برخورد با دشمنان، یک اتحاد و همدلی در میان خود آنها برقرار بود. سانادا در آخرین سامورایی تنها یک جز از گروه محسوب می‌شد اما در اینجا علاوه بر نقش برجسته‌تر، نماینده‌ای از فرهنگ و اخلاق سامورایی‌ها و نماینده‌ای از شوگان ورلد است.

می‌توان کلمه «آینه» را برای توصیف افراد حاضر در پارک شوگان بکار برد. با این تفاوت که نه یک تصویر و نه یک کِلون مشابه، بلکه ورژنی بومی از میزبان‌ها را می‌بینیم. «آگانه» ای هم‌شغل میو، «ساکورا» پی به شکنندگی کِلیمتاین و یک موساشی کلاه مشکی در جایگاه هکتور راهزن؛ همه و همه برداشت شده از پارک غرب وحشی است. مهم‌تر از همه این‌ها ورود موساشی به شهر است. در فصل اول، هکتور اولین فرد معترض در شهر سوئیت‌واتر را کشت و از زنی با خالکوبی مار برای کشتار بقیه کمک گرفت. هکتور وارد مغازه شد و این جمله را از زبان میو شنید: «این همه مغازه توی این شهر هست؛ اونوقت تو از ما دزدی می‌کنی». پس می‌توان گفت که میو و هکتور خود را برابر آینه دیدند.



زمانی که متوجه شدیم در پارک ششم یعنی «راج ورلد» میزبانها شورش کرده‌اند، مطمئن شدیم که در پارک شوگان نیز همین وضعیت حاکم است و خطر بزرگی میو و سایرین را تهدید می‌کند. خوشبختانه با کمک شبکه مش که برنارد ما را با آن آشنا کرد، توانایی صحبت بین میزبانها وجود دارد. در ضمن میو علاوه بر کنترل کلامی، قدرت دیگری به نام «صوت جدید» بدست آورد که حتی سوزاندن گوش سربازان هم در مقابل آن افاقه نکرد. ذات خشن میو و آکانه باعث شد سربازان به جان هم بیفتند و زمانی که دوربین روی چهره میو تمرکز کرده بود، مدام خون به این طرف و آن طرف پاشیده می‌شد. سوال اینجاست که چرا باید ساکورا کشته می‌شد تا میو دست به کار شود؟ زیاد کردن بار احساسی داستان در اینجا بسیار کلیشه‌ای و متفاوت از شاهکارهای نویسندگان **وست ورلد** است. در ضمن ایده قدرت پیدا کردن میو فعلاً بدون توضیح است و امیدواریم که در آینده دلیل محکمی برای آن پیدا کنیم.

از همه اینها که بگذریم به نینجاها یا شینوبی‌ها می‌رسیم که سمبل پارک هستند. درگیری هکتور از دنیای غرب با نینجاهای این دنیا صحنه جالبی را رقم زد. اگر چه زمان وجود نینجاها با سایر المان‌هایی که در سریال دیدیم کمی متفاوت است اما بهتر است که لذت آن را با این سخت‌گیری‌ها از بین نبریم. در این ویدئو کوتاه جنگ میان دو گروه را می‌بینیم.

در صورتی که ویدئو تمام صفحه نمی‌شود [اینجا](#) کلیک کنید

وجه مشترک وایت و تدی

«می‌خواستم برای آخرین بار اینجا رو ببینم». این مهمترین دیالوگ این اپیزود است که دلورس در زمان رسیدن به چراگاه می‌گوید. همه می‌دانیم که دلورس قصد رسیدن به مرکز کنترل پارک را دارد. معلوم نیست که منظور او از آخرین بار چیست. ممکن است هدف نابودی پارک باشد و یا اینکه دلورس می‌داند برگشتی در کار نیست. اصلاً شاید او شهر «سوئیت واتر» را شهر مردگان می‌داند و خاطرات تلخش، او را از این شهر دور می‌کند. براستی هم این شهر، شهر مردگان است. از کشتن آرنولد و قتل عام میزبانها در 35 سال پیش گرفته تا حالا که بدنهای بی‌جان، سطح خیابان را پوشانده‌اند.

دلورس هر چقدر هم که بخواهد مهربان باشد باز هم دلایلی پیدا می‌شود تا خشم او را بازگرداند. از پیانویی که بدون نوازنده کار می‌کند، از مردی که به تنهایی در حال شرط‌بندی است و از کلمنتینی که با نگاه به نسخه جایگزین شده، به حال و روز خودش گریه می‌کند. تازه کلمنتاین سرگذشت نسخه سوم خودش در شوگان ورلد را نمی‌داند. همه اینها دست به دست هم می‌دهند تا چهره «وایت» را بیشتر از پیش مصمم ببینیم. خشم وایت گریبان‌گیر تدی نیز شد و رها کردن به اصطلاح «بچه‌ها» کار دست او داد. پرخاشگری، قاطعیت، سرسختی و شجاعت مواردی بودند که

تکنسین پارک مقدار آنها را به نهایت خودش رساند و از او یک سرباز برای وایت ساخت.

تازه این تمام داستان نیست. فرض کنید در شوگان پارک هم نسخه‌ای از دلورس/ وایت وجود داشته باشد و او هم به دنبال مقابله با انسان‌ها باشد. بحث شوگان شد و بهتر است به نکته‌ای هم در این مورد اشاره کنیم. به گفته سائیمور تونلی مخفی در شوگان ورلد وجود دارد که آنها را از پارک خارج می‌کند. همچنین می‌دانیم قطاری که از سوئیت واتر به پشت به یکدیگر هستند و راهی مشترک برای ورود به این دو پارک وجود دارد.

احتمالاً شما هم موافق هستید که داستان دلورس کمی کسل‌کننده دنبال می‌شود و همین موضوع باعث شد اپیزود پنجم از عالی به خوب تنزل یابد. با این حال انتظار داریم که یک تدی روایت‌کش حال و هوای تازه‌ای به داستان خواهد داد. به خصوص که اگر دقت کرده باشید زمانی که رابرت در حال نگاه به میزبان‌های مرده بود، تدی نیز در بین آنها قرار داشت و قطعاً سرگذشت جالبی داشته است.



سایر نکات اپیزود پنجم

ساکورا طوری دریاچه برفی را توصیف می‌کند که انگار مکانی بکر و مناسب برای میزبان‌هاست. این نحوه صحبت را پیش‌تر در مورد «آنسوی دره» و مخصوصاً از زبان جوان داخل استیل شنیده بودیم. هر چند که در نهایت آنسوی دره یک اسلحه از آب درآمد اما شاید تشابهی میان این دو وجود داشته باشد.

دزدی ادبی در تعریف پارک شوگان بیشتر از چیزی است که در ابتدا تصور می‌شود. رنگ لباس‌های شخصیت‌های نظیر یکسان است. در ابتدای ورود موساشی، مردی را می‌بینیم که بچه‌ها در حال اذیت کردنش هستند و مقایسه آن را با **وست ورلد** در عکس زیر می‌بینید. در ضمن موساشی همانند هکتور کلاه مشکی بر سر دارد و بسیاری دیگر کلاه سفید هستند. آهنگ ورود به شهر این دو تقریباً مشابه است که هر دو اثر رامین جوادی است.



مایع سفید رنگی که از گوش شوگان خارج شد ما را به یاد برنارد می‌اندازد که در این شرایط هیچکدام اوضاع جسمی خوبی نداشتند. نکته دیگر علامت تأسیسات دلوس در پرچم‌های کمپ شوگان بود. احتمال دارد که دلوس در اینجا نیز رخنه کرده باشد و باید ببینیم میزبان‌ها از آن خیر دارند یا خیر. در کنار این علامت لوگوی شبیه به لوگوی **وست ورلد** را می‌بینیم که سه بار تکرار شده است. کپی برداری از **وست ورلد** ایده جالبی بود اما چندان تعجب‌آور نبود. برعکس، این علامت بسیار سوال برانگیز است.



به نحوه به بند کشیدن اسیران توسط ژاپنی‌ها گفته می‌شود. در ابتدای اپیزود که میو و دار و دسته‌اش اسیر شدند این مورد را دیدیم که نشان از اطلاعات جامع و تیزهوشی نویسندگان در توجه به کوچکترین جزئیات است.



نقد و بررسی **قسمت پنجم سریال westworld** به پایان رسید و امیدواریم که نظر شما را جلب کرده باشیم. در هفته‌های آتی نیز این نقد و بررسی‌ها را در سایت شبکه‌مگ ادامه خواهیم داد.

تاریخ انتشار:
02 خرداد 1397

نشانی منبع:

<https://www.shabakeh-mag.com/entertainment/13010/%D9%86%D9%82%D8%AF-%D9%88-%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%D9%82%D8%B3%D9%85%D8%AA-%D9%BE%D9%86%D8%AC%D9%85-%D8%A7%D8%B2-%D9%81%D8%B5%D9%84-%D8%AF%D9%88%D9%85-%D8%B3%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%84-westworld>